



عطاءالله عنایت رادمرد

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

# تشنج درمرز، بدتر شدن مناسبات و عمق بحران دشوار تاریخی چگونگی وضعیت انفجاری کنونی و راه برون رفت از آن تقصیر اوضاع بر عهده کدام طرف می باشد؟

**"خط دیورند" بمثابة عامل تبدیل میهن ما افغان ها بیک کشور بسته  
شکست ستراتیژیک پنجابی ها در کشور عزیز ما افغانستان  
پاکستان بمثابة حامی و متحد راهبردی "طالب" ها  
تشدید و بدتر شدن مناسبات دو کشور**

همه کشورهای در روابط و مناسبات خارجی شان شرایط متفاوتی را برای کشورهای همجوار شان نسبت به کشورهای غیر همجوارشان در نظر میگیرند، بویژه برای کشورهایی که مستقل بوده و بقدرت منطقه و یا فرامنطقه وابستگی ندارند، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. می توان از ظرفیت های همجوار بودن با کشورهای دیگر بهره برد و هم می توان مشکل بزرگی در رابطه با آنها ایجاد نمود. باید در نظر داشت که در سیاست همسایگی نباید ضرر و زیان روز را دید. می توان در رابطه با کشورهای دور منفعت را اینگونه دید، اما با این نگاه در مورد کشورهای همجوار ممکن است به خصومت ها دامن زده شود و یا به نیازها توجه نشود که در بلند مدت پتانسیل برخورد ایجاد میشود و یا مورد طمع قدرت ها قرار می گیرند. بنابراین، ظرفیت های کشورهای همجوار هست که باید بآن توجه نمود. ایجاد پیوندها بویژه با کشورهای همجوار در بلند مدت برفع کشور است. سیاست همسایگی، سیاست بلند مدت است و سیاست روز و کاسبکارانه نیست. متأسفانه برخی از کشورهای منطقه در مورد مناسبات و روابط حسن همجواری ما، چندان خوب عمل نکردند. پیشبرد سیاست همجواری نیک، اراده می خواهد. سیاست همجواری کشورها باید با نگاه جدیدی و نه فقط اقتصادی و فرهنگی بلکه امنیتی و راهبردی دیده شود و به پیوندهایی که می تواند مانع مداخلات مخرب دیگران شود، بها داد، مهم مشکل نیست، بلکه اراده است که باید حاکم شود. ما باید با نگاه دیگری در قبال منطقه و کشورهای همجوار اقدام نماییم. باید اراده و تصمیم جدی نه تنها در وزارت امور خارجه بلکه در تمامی مملکت بمنظور کار جدی و تقویت مناسبات با کشورهای همجوار ایجاد گردد.

در آغاز بحث کنونی، تذکر این مسأله ضروری پنداشته می شود که فضای مناسبات افغانستان - پاکستان بدلیل موضعگیریها و اتخاذ موقفهای هر دو جانب، هیچگاهی بدون ابرنموده است و این بخاطر آن بوده که هیچکدام از حاکمیت های سیاسی کشور ما، خط "دیورند" را بمثابة مرز افغانستان - پاکستان اصلن برسمیت نشناخته اند و آنرا بمثابة خنجری میپندارند که از جانب استعمار انگریز و حاکمان آن کشور در هند بریتانوی بر پیکر کشور عزیز ما افغانستان تحمیل گردید. خط نامبرده در سال ۱۲۷۱ (۱۸۹۳) میان دیورند سکرتر مسؤل در امور خارجی دولت استعماری هند و نماینده های افغانستان عقد گردید. پس از ایجاد و پیدایش نامیمون کشوری باسم پاکستان در سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۷)، میان نخبگان کشور ما، ایده و مفکوره پبنتونستان، یعنی وحدت مجدد پبنتون ها شکل گرفت. روحیه یادشده بیش از همه در امتداد زمانی صدارت محمد داود (۱۳۳۱ - ۱۳۴۱) تقویه گردید. پاکستان بنوبه خویش در مورد صحه گذاشتن بر خط "دیورند" و برسمیت شناختن آن بمثابة مرز رسمی و پذیرفته شده میان دو کشور بر حاکمیت های افغانستان فشارهای مورد نظر را وارد نمود، اما در همه شرایط و وضعیت های پیش آمده، تیر آنها بسنگ خورد. حاکمان پاکستانی، در واقعیت امر، مفکوره پبنتونستان را بمثابة تهدیدی علیه منافع ملی کشورشان تلقی نمودند. در سال ۱۳۴۷ و قبل از رویکار آمدن جمهوری افغانستان برهبری محمد داود، پاکستان تلاش بعمل آورده بود تا بآنعه از افغان هایی که به تشکل سازمان بنیادگرای "جوانان مسلمان" در سال ۱۳۴۷ مبادرت ورزیده بودند، در سرزمین و اراضی پاکستان بآنها پناهگاه و محفی گاهایی اختصاص داده شود. بسیاری ها چنین میپندارند که افغانستان و پاکستان، خواهی نحوای، بویژه در امتداد دهه پسین با وجود دوگانگی هایی که هرگز ایدآل نبود، اما مناسبات و روابط تنگاتنگ با همدیگر را همچنان حفظ نمودند. ولی تشنج پیش آمده، بویژه در امتداد ماهای پسین رابگمان اغلب که چگونگی تغییر وضعیت، بویژه تغییرات و تحولات بوجود آمده

پس از ماه اسد سال پاردرکشورما بشمارمیآورند که درنهایت امریه فایق آمدن و بقدرت رسیدن "طالب" ها منجر گردید. بمنظوردرک و آگاهی بهتر از مناسبات مغلق و مملو از تشنج وضعیت گفته آمده، ضرورت آن احساس می گردد تا به تاریخچه نه چندان دور مناسبات افغانستان - پاکستان نظر اندازیم. در اینمورد، از یکجانب کمک ها و معاونت های سخاوتمندانه اسلام آباد به مجاهدین افغان در امتداد دهه ۸۰ سده پشین و از جانب دیگر، برسمیت شناختن رسمی "امارت اسلامی افغانستان" در سال ۱۳۶۸، با فراهم آوری سرپناه برای جنگجویان "طالب" در دهه ۲۰۰۰ و آموزش نظامی و جنگی شورشیان افغان، تأمین مالی آنها و تهیه سلاح و مهمات همراه بود. علاوه برآن، آژانس های اطلاعاتی و استخباراتی پاکستان در تصمیمگیری های مهم رهبری "طالب" ها تأثیرگذار بوده و در تدوین و اجرای عملی برنامه های عملیاتی و مسلحانه "طالب" ها از نقش مرکزی برخوردار می باشند. نه تنها کارگزاران طالب، بلکه اعضای خانواده های آنها نیز در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان و تحت چتر و حمایت استخبارات آنکشور حیات بسر می برند. چنانچه همانگونه که می گویند نمی توان آفتاب را با دو انگشت پنهان نمود، بهیچوجه از اثرگذاری و نفوذ نظامیان پاکستانی در تطبیق و اجرای عملی برنامه های تدوین شده "طالب" ها نمی توان چشم پوشی بعمل آورد.

درکنار عوامل و انگیزه های متعدد دیگر، اصل حمایت و پشتیبانی بیدریغ و گسترده اسلام آباد از "طالب" ها، بویژه در آغاز سال ۱۳۸۵، پس از آن بوضاحت مشاهده رسید که حاکمان پاکستانی بیشتر از ۱۰ تن از چهره های سرشنا س "طالب" ها و در رأس، از جمله ملا عبدالغنی برادر، معاون کنونی رئیس الوزرای "طالب" ها را که با استفاده از اعلام سازش و تفاهم ملی توسط حامد کرزی از مذاکرات و گفتگو با جانب دولت افغانستان، پشتیبانی و حمایت بعمل می آوردند، زندانی نموده و به "طالب" ها چنین افاده دادند که هرگونه مذاکره و گفتگوی بین الافغانی بایست با تفاهم اسلام آباد و حتا باید تحت نظارت مستقیم نظامیان آنکشور از قوه بفعّل مبدل گردد. بر همین بنیاد، در امتداد سال ۱۳۹۴، حاکمان پاکستان، برخی از فرماندهان محلی "طالب" ها را که بر علیه عملکردهای جنگجویان "داعش خراسان" می رزمیدند، بزدان افگندند. با احتمال زیاد می توان ادعا نمود که در وضعیت و شرایط موجود در آن زمان، این ایده و طرزنگاه بیشتر از سایر موارد مطرح بود که بنحوی از انحاء، "طالب" ها را با "داعش"، بمثابة نیروی قدرتمندتری بمنظور تقابل و رویارویی با کابل باهم متحد نمایند.

در اسلام آباد اعتقاد بر این بود که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، تحرکات جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" که در افغانستان پناه گرفته بودند، بیش از هر موقع دیگر، علیه منافع پاکستان موضعگیری نموده، در انجام فعالیت ها و اقدامات شان تشدید قابل ملاحظه ای بعمل آمده و در داخل اراضی متعلق به پاکستان به سازماندهی و انجام اقدامات تروریستی مبادرت می ورزند. با اینکه در اسلام آباد این امیدواری وجود داشت که کابل، "تحریک طالب های پاکستان" را از تداوم و اجرای عملیات مسلحانه علیه منافع اسلام آباد برحذر نموده و آنها را متقاعد به عقد توافقتنامه با اسلام آباد نماید، اما چنین انتظاری حتا با وجود سهمگیری و شرکت سراج الدین حقانی، شخصیت مورد اعتماد قبلی پاکستانی ها، نیز صورت نگرفت. در اینمورد قابل یاددانهایی پنداشته می شود که درگیری های مسلحانه میان نیروهای امنیتی پاکستانی و جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان"، بویژه در امتداد خط "دیورند" در ایالت خیبر پختونخواه، بهر دو جانب بشمول شهروندان ملکی کشور، تلفات بیشماری را بدنبال داشت.

کارشناسان پاکستانی متذکر می گردند که بویژه در امتداد سال پشین در سرزمین و اراضی متعلق به پاکستان، در فعالیت ها و عملکردهای تروریستی و خرابکارانه، تشدید بعمل آمده که در نتیجه آن بتعداد ۵۰۰ تن از شهروندان پاکستانی کشته شده و بیشتر از ۸۰۰ تن هم زخم برداشتند. همچنان، "هسته های خوابیده" تحریک طالبان پاکستان در داخل اراضی و قلمرو آنکشور نیز بیش از هر زمان دیگری فعال گردیدند. همچنان اطلاعاتی موجود می باشد که جنگجویان شاخه افغانی دسته بندی تروریستی "داعش خراسان" بانجام فعالیت های فرامرزی در پاکستان نیز مبادرت ورزیدند. علاوه برآن، گزارش هایی از حملات و درگیریهای متقابل نیروهای مرزی پاکستانی و افغان بویژه در امتداد خط "دیورند" نیز بنشر رسید.

در مورد طرزنگاه پاکستان به "طالب" ها بایست متذکر گردید که بمنظور حل و فصل مسایل و قضایای موجود، از "طالب" ها خواسته شد تا در موضوع یادشده به پاکستان کمک نمایند. این دیگر تصادفی نیست کاهداف گسترده تردیگری در مورد یادشده در نظر گرفته شده بود. بر بنیاد اطلاعات منتشره در روزنامه پاکستانی "داون"، در آغاز سال ۲۰۰۱ بتعداد ۲۵۰۰ تن از نظامیان پاکستانی در صفوف جنگجویان "طالب" ها عملن حضور داشتند.

اما پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، پاکستان بگونه تدریجی درگیر کارزار ضد تروریستی گردید. همچنان بتدریج به کاهش مناسبات دیپلوماتیک با حاکمیت "طالب" ها مبادرت ورزیده و هم در قبال فعالیت های دسته بندی های دهشت افکن محدودیت های را وضع نمود.

تعجب آور نمی باشد که در مجموعه سلسله مراتب قدرت در پاکستان، ایده و مفکوره ای در مورد بازنگری "عمق ستراتیژیک" در مناسبات با افغانستان، یعنی تشکیل و پایه گذاری حاکمیت وفادار به اسلام آباد در کابل توسط "طالب" ها مطرح بحث قرار گرفت، اما بر بنیاد حقیقت های موجود، واضح گردید که طرز تفکر متذکره توهمی بیش نمی باشد. همزمان با تشنج در مناسبات سیاسی دو کشور، تبادل اموال و مناسبات متقابل تجاری - اقتصادی میان دو کشور به نازل ترین سطح کاهش حاصل نمود. پاکستانی ها چنین تفهیم می نمایند که در وضعیت حاضر، اصل بر سمیت شناختن حاکمیت "طالب" ها در دستور کار آنها قرار ندارد. انجام حملات نیروهای زمینی پاکستان در امتداد ماه جدی سال پار بر مواضع "تحریک طالب های پاکستان" بمرگ یکتن از رهبران آن با اسم حفیظ الله و کشته شدن شماری از جنگجویان آنها منجر گردیده و مقادیر هنگفتی از سلاح و مهمات نظامی و جنگی آنها نیز بدست آمد. ناظران سیاسی معتقدند که مناسبات میان دو کشور، بویژه پس از تعویض قدرت سیاسی در امتداد بهار سال پار در اسلام آباد، با معضلات و مشکلاتی مواجه گردیده و پاکستان بگونه مجدد، وارد مدار سیاست منطقه یی ایالات متحده گردید. بنابراین، در کابل کوچکترین شک و تردیدی موجود نمی باشد که قتل ایمن الظواهری رهبر "القاعده" در امتداد تابستان سال پار توسط ایالات متحده بدون هماهنگی با سرویس های خدمات استخباراتی پاکستان بسر انجام رسانیده باشد. در عین زمان، رهبری اداره اسلام آباد، همه مشکلات و معضلات موجود را نتیجه بی ثباتی و نبود امنیت و چگونگی اوضاع عمومی در افغانستان، بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل می پندارند. حضور گروه های متعدد اسلامی و مذهبی در پاکستان، بخودی خود، سبب ساز تعمیق و وسعت هرچه بیشتر تشنج در آن کشور شده و زمینه های ضد و نقیض گویی ها و تشدید اختلافات در جامعه پاکستانی را فراهم نموده است، اما عده ای از شهروندان آن کشور، در مجموع نحوه عملکردها و موضعگیریهای "داعش" را مورد نکوهش قرار می دهند، در حالی که عده دیگر از گروه بندی تروریستی یاد شده پشتیبانی بعمل می آورند. ساختار تاریخی و نظامی پاکستان در مجموع، بگونه ای عیار گردیده تا از جنگجویان افراطی محلی دفاع و پشتیبانی می نموده و از آنها علیه کشورهای همجوار بویژه هند، استفاده ابزاری بعمل آید.

همه بخوبی شاهد می باشند که بویژه پس از تأسیس پاکستان بمثابة کشور مستقل تاکنون، مناسبات و روابط کشور ما با پاکستان، همواره دستخوش فراز و نشیب و اختلافات ناشی از طرز نگاه طرفین از اختلافات به میراث گذاشته دوران استعمار بشمار می آید.

بر این بنیاد، حاکمان پاکستانی در صدد جلب همکاری و پشتیبانی بخش های نهایت محافظه کارانند تا از طریق پرورش و گسترش ایدئولوژی های افراطی، دستیابی با اهداف مورد نظر را میسر نمایند. قابل تذکر پنداشته می شود که محافل حاکمه پاکستان در حال معاشقه با آن عده از باندهای افراطی می باشند که تلاش های آنها در امتداد سه دهه درگیری های مسلحانه در کشور ما بهیچ مورد دلخواه و قابل قبولی برایشان منجر نگردید.

اینکه وضعیت موجود در مناسبات و روابط کشور ما با پاکستان در چه مقطع زمانی قابل حل و فصل بوده و آیا زمانی فرا خواهد رسید تا مناسبات میان دو کشور از وارد نمودن اتهامات وارده طرفین بیکدیگر مبرا باشد، جای سؤال دارد.

با وجود اینهمه، شهروندان کشور عزیز ما که با معضلات و مشکلات متعدد و گونه گونه ایی مواجه می باشند، بگونه واقعی خواهان حل و فصل نهایی قضایای موجود میان دو کشور بوده و بیشتر از این توان تقابل و رویارویی را در بساط نداشته و تداوم وضعیت کنونی را بنفع هیچیک از طرفین نمی پندارند.

شنبه ۲۲ ماه دلو سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۱۱ فیبروری سال ۲۰۲۳ ترسایی